

ماهنامه

CyclicalWaves

شماره سیزدهم

زمستان ۱۴۰۴

وقتی بازار می‌خوابد

در این شماره می‌خوانیم

- خطرات افزایش سهم معامله‌گران خرده پا در بازارهای مالی
- پیامدهای احتمالی لغو تعرفه‌های دوران ترامپ توسط دیوان عالی آمریکا
- تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر بازارها با تمرکز بر طلا

• و ...

ماهنامه فارکس Cyclicalwaves

در دنیای مالی و اقتصادی امروز، تحلیل و پیش‌بینی روندهای بازار به یکی از چالش‌های اساسی برای سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران تبدیل شده است. بازارهای مالی به‌ویژه بازار فارکس، با نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی خود، نیازمند رویکردهای تحلیلی عمیق و دقیق هستند. در این راستا، ماهنامه فارکسی Cyclicalwaves به‌عنوان یک منبع معتبر و تخصصی، تلاش دارد تا با ارائه تحلیل‌های جامع و مبتنی بر داده‌های واقعی، به خوانندگان خود در درک بهتر و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر کمک کند.

Cyclicalwaves به بررسی الگوهای چرخه‌ای در بازار فارکس می‌پردازد. این الگوها نه تنها به شناسایی روندهای گذشته کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به پیش‌بینی حرکات آینده نیز بپردازند. در این ماهنامه، ما به بررسی اصول تحلیل تکنیکال و بنیادی، روانشناسی بازار، و تأثیرات اقتصادی بر نوسانات ارزشها خواهیم پرداخت. هدف ما این است که با ارائه مطالب علمی و عملی، درک عمیق‌تری از بازار فارکس برای خوانندگان فراهم کنیم.



صاحب امتیاز: cyclicalwaves

هیات تحریریه:

علی شریف آزاده

امین طاهر زاده

دکتر پیام نیک کام

(مدرس بازارهای مالی)

علی فریادرس

محمد جواد آقازاده

امیرحسین آقاپور

(تحلیل گر و معامله گر فارکس)

صفحه‌آرا: سعیده عباسی



نشانی: کرج، عظیمیه، بلوار اقاچاقیا، جنب

میدان بعثت، ساختمان آرنیا، طبقه ۵

واحد ۱۶

نشانی اینترنتی: www.cycfx.com

پست الکترونیک: Info@cycfx.com

واتساپ و تلگرام: ۰۹۹۲۸۰۰۶۰۰۲

در شماره سیزدهم نشریه تحلیلی Cyclical Waves بار دیگر با شما همراه هستیم؛ جایی که تلاش می‌کنیم در میان نوسانات پیچیده بازارهای جهانی، در ارائه تحلیل‌ها و نکات آموزشی با جامعه معامله‌گری ایرانی همراهی کنیم.

دی‌ماه ۱۴۰۴ یکی از سخت‌ترین و تلخ‌ترین دوره‌های اخیر برای همه ایرانیان بود. رویدادهای خونین و اندوهراری که رخ داد، داغ‌های سنگینی بردل بسیاری از خانواده‌ها گذاشت. در این شرایط، ما عمیقاً با تمام خانواده‌هایی که عزیزی را از دست داده‌اند همدردی می‌کنیم و برایشان صبر و آرامش آرزو داریم و از خداوند بزرگ ایران برای درگذشتگان آمرزش طلب می‌کنیم. این درد مشترک، یادآوری می‌کند که در سختی‌ها بیش از همیشه به همدلی و حمایت از یکدیگر نیاز داریم.

در همان روزهای تاریک، یکی از چالش‌های جدی که فعالان بازار فارکس با آن روبرو شدند، قطع سراسری اینترنت بود؛ اتفاقی که دسترسی به پلتفرم‌ها، اخبار لحظه‌ای، چارت‌ها و حتی امکان مدیریت پوزیشن‌ها را برای بسیاری غیرممکن ساخت. این محدودیت می‌توانست به سرعت به زیان‌های سنگین مالی برای معامله‌گران تبدیل شود.

ما در تیم Cyclical Waves تصمیم گرفتیم در عمل نشان دهیم که همراهی با مشتریان فقط در روزهای آرام بازار نیست. بلافاصله پس از بروز مشکل، سرور اختصاصی ایران را با ظرفیت و پایداری بالاتر راه‌اندازی کردیم تا حداقل بخشی از معامله‌گران بتوانند بدون وقفه به فعالیت خود ادامه دهند، پوزیشن‌هایشان را مدیریت کنند و از زیان‌های ناخواسته جلوگیری نمایند. این اقدام، بیش از هر چیز نشان‌دهنده تعهد واقعی ما به شماست؛ تعهدی که در شرایط بحرانی هم خود را نشان می‌دهد.

خوشحالیم که توانستیم در آن روزها، حتی اگر به‌طور محدود، بخشی از بار اضطراب و زیان مالی را از دوش شما برداریم. حالا که بازارها کم‌کم به ثبات نسبی بازگشته‌اند و شماره سیزدهم مجله در دستان شماست، امیدواریم این همراهی و تلاش کوچک ما، اعتماد شما را بیش از پیش جلب کرده باشد. در شماره‌های آتی نیز با تحلیل‌های دقیق‌تر، استراتژی‌های به‌روز و تجربیات واقعی معامله‌گران ایرانی در کنار شما خواهیم بود. با آرزوی روزهای آرام‌تر، سودهای پایدارتر و ایران قوی‌تر برای همه ما.





Happy
NOWRUZ

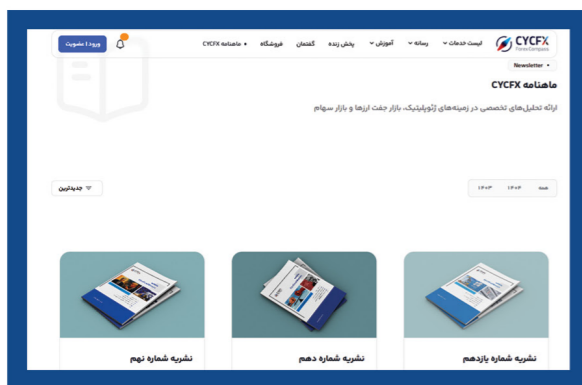


فهرست مطالب

با افتخار، شماره سیزدهم مجله تخصصی ژئوپلیتیک و فارکس **CYCFX** را به شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم. این شماره با تحلیل‌های دقیق و جامع به بررسی مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهان می‌پردازد که تأثیر مستقیم بر بازارهای مالی و ارزی دارند

در جهانی که تصمیمات سیاسی و اقتصادی می‌توانند در یک لحظه بازارهای جهانی را دگرگون کنند، درک عمیق‌تر این عوامل کلیدی امری ضروری است. این شماره با هدف ارائه بینش‌های کاربردی و استراتژیک، شما را دعوت می‌کند تا با نگاهی دقیق‌تر، به تأثیرات این تحولات بر آینده سرمایه‌گذاری و تجارت خود بپردازید.

امیدواریم مطالب این شماره بتواند ابزار ارزشمندی برای تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی شما باشد. پس با ما همراه شوید و به دنیای ژئوپلیتیک و فارکس از زاویه‌ای تازه نگاه کنید.



برای دسترسی به مجله‌ها
اسکن کنید.

پیرامیدینگ در معامله‌گری: تکنیک‌ها، مزایا و ریسک‌ها برای
معامله‌گران تازه‌کار

۵

خطرات افزایش سهم معامله‌گران خرده‌پا در بازارهای مالی

۷

پیامدهای احتمالی لغو تعرفه‌های دوران ترامپ توسط دیوان
عالی آمریکا

۹

طلا؛ دارایی با بازده مثبت در تمامی چرخه‌های اقتصادی و
مالی

۱۱

نقش داده‌های آمار در تصمیم‌گیری معامله‌گران مدرن
(مورد طلا)

۱۳





به قلم: علی شریف آزاده

پیرامیدینگ در معامله‌گری: تکنیک‌ها، مزایا و ریسک‌ها برای معامله‌گران تازه‌کار

پیرامیدینگ (Pyramiding) یک استراتژی معاملاتی است که شامل افزایش حجم یک موقعیت موجود به مرور زمان و همسو با حرکت بازار در جهت دلخواه معامله‌گر می‌شود. برخلاف میانگین‌گیری نزولی (Averaging Down) که حجم موقعیت‌های زیان‌ده را به امید برگشت قیمت افزایش می‌دهد، پیرامیدینگ روی بهره‌برداری بیشتر از معاملات سودده تمرکز دارد. اگر این ترفند درست اجرا شود، می‌تواند سودها را به طور قابل توجهی افزایش دهد، اما با خطراتی همراه است که مدیریت دقیق آن‌ها ضروری است. شناخت مکانیزم، مزایا، ریسک‌ها و بهترین روش‌ها برای استفاده از این استراتژی برای هر معامله‌گری که می‌خواهد از آن بهره‌برداری کند، حیاتی است.

تکنیک‌های پیرامیدینگ

در پایه، پیرامیدینگ به اضافه کردن موقعیت‌های کوچک به یک معامله در زمان مشاهده قدرت روند گفته می‌شود. چند تکنیک رایج وجود دارد:

۱. پیرامیدینگ با افزایش حجم ثابت: در این روش، معامله‌گر تعداد مشخصی از قراردادهای سهام یا لات‌ها را با هر حرکت دلخواه بازار اضافه می‌کند. به عنوان مثال، اگر معامله‌گر ۱۰۰ سهم خریداری کند و قیمت به مقدار مشخصی رشد کند، ممکن است ۵۰ سهم دیگر در هر گام حرکتی همسو بیافزاید. این روش ساده و قابل پیش‌بینی است.

۲. پیرامیدینگ مبتنی بر درصد: در این حالت، اندازه هر موقعیت جدید به درصدی از موقعیت اولیه یا کل موقعیت مرتبط است. به عنوان مثال، معامله‌گر ممکن است تصمیم بگیرد ۲۵٪ از موقعیت اولیه را هر بار که قیمت به سطح حمایت یا مقاومت

Pyramiding in Trading

Gradually adding to a position in an uptrend



جدیدی رسید، اضافه کند. این روش امکان مقیاس‌دهی مناسب ریسک را فراهم می‌کند.

۳. پیرامیدینگ مبتنی بر نوسان: معامله‌گران حرفه‌ای تر از معیارهای نوسان، مانند میانگین دامنه واقعی (ATR)، برای تعیین زمان و میزان اضافه کردن موقعیت استفاده می‌کنند. در بازارهای پرنوسان، اضافه کردن حجم کم‌تر و در روندهای آرام‌تر، اضافه کردن حجم بیشتر توصیه می‌شود. این روش تطبیقی، اندازه موقعیت را با شرایط بازار هماهنگ می‌کند.

۴. پیرامیدینگ مبتنی بر سیگنال‌های تکنیکال: برخی معامله‌گران از شاخص‌های تکنیکال مانند میانگین متحرک، خطوط روند یا نقاط پیوت برای تصمیم‌گیری درباره افزودن موقعیت استفاده می‌کنند. تنها زمانی که بازار قدرت خود را با رسیدن به سیگنال‌های مشخص نشان دهد، موقعیت جدید اضافه می‌شود.

مزایای پیرامیدینگ

با رعایت انضباط، پیرامیدینگ می‌تواند مزایای زیادی داشته باشد:

• افزایش سود: مزیت اصلی پیرامیدینگ، توانایی آن در بزرگ کردن سود است. اضافه کردن موقعیت در روندهای قدرتمند، امکان

ترکیب و افزایش شدید بازده‌ها را فراهم می‌کند.

• استفاده بهینه از سرمایه: پیرامیدینگ اجازه می‌دهد معامله‌گران به تدریج سرمایه بیشتری وارد کنند، به جای اینکه همه سرمایه را یکجا درگیر کنند. این روش امکان حفظ بخشی از سرمایه برای فرصت‌های دیگر یا مدیریت ریسک را فراهم می‌کند.

• هماهنگی با روند بازار: از آنجا که پیرامیدینگ تنها به معاملات سودده اضافه می‌کند، به طور طبیعی با روندهای بازار همسو است. معامله‌گران عملاً اجازه می‌دهند سودها ادامه یابند و از ریسک زودهنگام پرهیز می‌کنند.

• افزایش اعتماد به نفس: برای معامله‌گران منضبط، پیرامیدینگ می‌تواند اعتماد به نفس ایجاد کند. هر اضافه کردن موفق، اعتبار استراتژی معامله را تایید می‌کند و به تصمیم‌گیری منطقی کمک می‌کند.

ریسک‌ها و مشکلات پیرامیدینگ

با وجود مزایا، این روش با خطراتی همراه است:

• افزایش بیش از حد ریسک: خطر اصلی، اهرم بیش از حد است. اضافه کردن حجم بدون تنظیم حد ضرر می‌تواند باعث

ضررهای بزرگ شود، حتی در معاملات سودده.

• سیگنال‌های اشتباه: بازارها همیشه روان و قابل پیش‌بینی نیستند. اضافه کردن موقعیت بر اساس سیگنال ضعیف می‌تواند سود را کاهش دهد و ضرر ایجاد کند.

• کم‌احتیاطی: موفقیت اولیه ممکن است باعث اعتماد بیش از حد شود و معامله‌گر مدیریت ریسک را نادیده بگیرد.

• محدودیت‌های نقدینگی و مارجین: در معاملات اهرمی، پیرامیدینگ نیازمند مارجین کافی است و در بازارهای کم‌نقدینگی، اضافه کردن موقعیت ممکن است قیمت‌ها را تحت تاثیر قرار دهد یا خروج سریع از معامله را محدود کند.

راهنمایی برای معامله‌گران تازه‌کار

برای تازه‌کاران، احتیاط و انضباط حیاتی است:

۱. شروع با حجم کوچک: با اضافه کردن موقعیت‌های کوچک و محدود شروع کنید تا استراتژی را بدون ریسک زیاد آزمایش کنید.
۲. استفاده از حد ضرر: هر موقعیت جدید باید با حد ضرر محافظت شود تا از تجمع ضررها جلوگیری شود.

۳. پیروی از روند: تنها به معاملاتی اضافه کنید که روند قوی دارند. از اضافه کردن در بازارهای خنثی یا پرنوسان خودداری کنید.

۴. کنترل حجم کل موقعیت: نسبت کل سرمایه درگیر به حساب را مدیریت کنید و از حد مجاز ریسک تجاوز نکنید.

۵. ثبت و بررسی: یک دفترچه معاملاتی داشته باشید و هر تصمیم پیرامیدینگ را یادداشت کنید تا تجربه‌ها مرور و استراتژی بهبود یابد.



نتیجه‌گیری

پیرامیدینگ ابزاری قدرتمند برای معامله‌گرانی است که ترکیبی از انضباط، مدیریت ریسک و تحلیل بازار دارند. اگر به درستی اجرا شود، سودها را افزایش می‌دهد و با روندهای قوی بازار همسو است. اما خطرات آن شامل افزایش ریسک، سیگنال‌های اشتباه و تصمیمات احساسی است. تازه‌کاران باید با احتیاط شروع کنند، موقعیت‌ها را محافظت کنند و قوانین مدیریت ریسک را رعایت کنند. با صبر و تمرین ساختاریافته، پیرامیدینگ می‌تواند بخشی ارزشمند از استراتژی معاملاتی شما باشد.

خطرات افزایش سهم معامله‌گران

خرده‌پا در بازارهای مالی

در سال‌های نه‌چندان دور، سرمایه‌گذاران خرد یا همان افراد عادی که از طریق پلتفرم‌هایی مانند رابین‌هود، شواب و مشابه آن‌ها معامله می‌کردند، در ادبیات مالی با عنوان «پول خنگ» شناخته می‌شدند؛ گروهی که تصور می‌شد تأثیر چندانی بر جهت بازارها ندارند. اما این تصویر به‌طور اساسی تغییر کرده است. امروز سرمایه‌گذاران خرد به‌صورت جمعی آن‌قدر بزرگ شده‌اند که می‌توانند روند بازارهای مالی و حتی مسیر برخی کلاسهای دارایی را تغییر دهند.

اهمیت این تحول در آن است که چنین قدرتی، در کنار فرصت، ریسک‌های واقعی نیز به همراه دارد. اگر این توده از سرمایه‌گذاران به‌طور هم‌زمان وارد یک دارایی شوند و آن سرمایه‌گذاری به‌شدت شکست بخورد، پیامدهای آن فقط به خود آن‌ها محدود نمی‌شود و می‌تواند اثرات گسترده‌تری بر اقتصاد بگذارد. بر اساس داده‌های مؤسسه **JPMorgan Chase Institute**، سرمایه‌گذاری اکنون سهم فزاینده‌ای از تصویر ثروت خانوارهای آمریکایی را تشکیل می‌دهد. همچنین طبق برآورد جفریز، سرمایه‌گذاران خرد به‌طور متوسط حدود **۲۵٪** حجم معاملات روزانه بازار را در اختیار دارند.

در میان نسل‌های جوان‌تر، نگاه به سرمایه‌گذاری نیز تغییر کرده است. بر اساس نظرسنجی **Oliver Wyman Forum**، بسیاری از جوانان، بازار سرمایه را نه صرفاً محلی برای پس‌انداز بلندمدت، بلکه به‌عنوان منبعی برای کسب درآمد می‌بینند. همین ذهنیت باعث شده قدرت خرید آن‌ها در کنار هم، بتواند کل یک کلاس دارایی را دگرگون کند. نمونه اخیر آن، جهش شدید قیمت نقره بود؛ جایی که سرمایه‌گذاران خرد به‌سرعت قیمت را بالا بردند، نقره به دومین معامله محبوب در پلتفرم **Interactive Brokers** تبدیل شد و سپس با سقوطی **۴۰** درصدی، زبان سنگینی به بسیاری تحمیل کرد.

با این حال، رفتار محبوب سرمایه‌گذاران خرد یعنی «خرید در کف» همچنان ادامه دارد. حتی پس از سقوط، قیمت نقره دوباره ۸ درصد رشد کرد. این استراتژی در سال‌های اخیر جواب داده است؛ مثلاً شاخص **S&P ۵۰۰** همواره پس از افت‌ها بهبود یافته، هرچند زمان این بهبود بسیار متفاوت بوده است. مشکل اینجاست که خرید در کف تا زمانی کار می‌کند که دیگر کار نکند. بسیاری از سرمایه‌گذاران جوان هرگز یک رکود طولانی‌مدت را تجربه نکرده‌اند، چراکه بازبایی‌های اخیر بازار بسیار سریع بوده و خود آن‌ها نیز به این روند کمک کرده‌اند. ریسک بزرگ‌تر در سناریوی یک افت طولانی نمایان می‌شود. اگر این گروه در چنین شرایطی اعتماد خود را از دست بدهد و سرمایه‌اش را از بازار خاج کند، همان‌طور که جورج اکرد از **JPMorgan** اشاره می‌کند، این یک «ریسک ناشناخته» خواهدبود که می‌تواند سقوط بازار را عمیق‌تر کند. از سوی دیگر، اثر ثروت ناشی از افزایش قیمت دارایی‌ها، مصرف خانوارها را تقویت کرده و ستون اصلی رشد اقتصادی بوده است. افت بازار می‌تواند این اثر را معکوس کند، مصرف را کاهش دهد و فشار مضاعفی بر شرکت‌ها و کل اقتصاد وارد سازد.

در نهایت، دموکراتیزه شدن مالی فرصت واقعی برای ثروت‌سازی در اختیار مردم عادی و نسل جوان قرار داده است. اما تا زمانی که این گروه یک دوره رکود واقعی را تجربه نکنند، واکنش آن‌ها در برابر بحران‌های طولانی همچنان نامشخص باقی می‌ماند؛ ابهامی که خود می‌تواند به یکی از عوامل بی‌ثباتی آینده بازارها تبدیل شود.



انتخابات اخیر ژاپن و تأثیر آن بر بازارهای

مالی: چرایی تقویت ین پس از اعلام نتایج

در تاریخ ۸ فوریه ۲۰۲۶، ژاپن انتخابات زودهنگام مجلس نمایندگان خود را برگزار کرد. حزب حاکم لیبرال دموکرات (LDP) به رهبری نخست‌وزیر سانائو تاکاچیچی پیروزی قاطع کسب کرد و اکثریت قابل توجهی از کرسی‌ها را به دست آورد. این نتیجه به تاکاچیچی و حزبش قدرت فوق‌العاده‌ای برای اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی داد و موجب شد بازارها با واکنش‌های سریع روبرو شوند. پیروزی قاطع **LDP** نه تنها ابهام سیاسی را کاهش داد، بلکه چشم‌انداز ادامه سیاست‌های محرک مالی و تغییرات مالیاتی را تثبیت کرد. بازارهای مالی ژاپن بلافاصله به این انتخابات واکنش نشان دادند. سهام ژاپن از جمله شاخص نیکی ۲۲۵ به بالاترین سطح تاریخی خود رسید. سرمایه‌گذاران این نتیجه را نشانه‌ای از ثبات سیاسی و چشم‌انداز رشد اقتصادی دیدند و این امر موجب افزایش تقاضا برای سهام در بخش‌های تولید، نیمه‌رساناها و بانک‌ها شد. در عین حال، بازار اوراق قرضه دولتی ژاپن نیز تحت تأثیر قرار گرفت و بازده اوراق میان‌مدت افزایش یافت، زیرا سرمایه‌گذاران افزایش هزینه‌های مالی دولت و احتمال رشد کسری بودجه را پیش‌بینی کردند. افزایش بازده اوراق نشان‌دهنده کاهش قیمت آنها و ارزیابی ریسک بدهی‌های آینده بود.

یکی از مهم‌ترین واکنش‌های بازار، تقویت ین ژاپن (**JPY**) در برابر دلار آمریکا بود. با وجود پیش‌بینی‌های اولیه که نشان می‌داد سیاست‌های محرک مالی می‌تواند ین را تضعیف کند، پس از اعلام نتایج انتخابات، ین تقویت شد. چند عامل مهم این تغییر را توضیح می‌دهد.

نخست، کاهش ابهام سیاسی نقش مهمی در تقویت ین و اصولاً دارایی‌های ژاپنی داشت. سرمایه‌گذاران از مدت‌ها قبل نگران نتایج غیرقطعی انتخابات و پیامدهای آن بودند. با روشن شدن نتیجه و تثبیت قدرت حزب حاکم، ریسک سیاسی کاهش یافت و معامله‌گران کمتر نیاز به حفظ موقعیت‌های محافظه‌کارانه داشتند. کاهش ریسک به طور طبیعی باعث تقویت ارز داخلی شد.

دوم، تغییر در روان‌شناسی بازار و اشتهای ریسک نیز موثر بود. با مشخص شدن پیروزی حزب حاکم و کاهش نگرانی‌ها، معامله‌گران نسبت به دارایی‌های ژاپنی خوش‌بین شدند. ین که معمولاً به عنوان ارز امن در نظر گرفته می‌شود، در شرایط کاهش ریسک تقویت می‌شود. در واقع، سرمایه‌گذاران بخشی از موقعیت‌های فروش ین که پیش از انتخابات باز کرده بودند را تسویه کردند و

این باعث فشار افزایشی روی ارز ین شد.

سوم، اظهارات مقامات ژاپنی مبنی بر نظارت نزدیک بر بازار ارز پس از انتخابات، سیگنالی از دقت سیاست‌گذاری ارائه داد. حتی احتمال دخالت رسمی دولت در بازار ارز، که به طور تاریخی برای محافظت از ین انجام می‌شود، باعث شد معامله‌گران از فروش گسترده خودداری کنند و به تقویت ین کمک کرد.

چهارم، موقعیت‌های معاملاتی و عوامل تکنیکال نیز نقش داشتند. پیش از انتخابات، بسیاری از معامله‌گران انتظار داشتند که با سیاست‌های مالی گسترش‌یافته، ین تضعیف شود و بر این اساس موقعیت‌های فروش ایجاد کردند. پیروزی سریع و قاطع حزب حاکم باعث شد بخش زیادی از این موقعیت‌ها بسته شود، که منجر به تقویت کوتاه‌مدت ین شد.

در نهایت، تحرکات ارزهای خارجی و دلار آمریکا نیز تقویت ین را تسهیل کرد. در همان زمان، دلار آمریکا در برابر سایر ارزها کاهش یافت و این امر به ین کمک کرد تا در برابر دلار تقویت شود. بنابراین، ترکیبی از کاهش ریسک سیاسی، تغییر روان‌شناسی بازار، موقعیت‌های معاملاتی و تحرکات دلار باعث شد ین پس از انتخابات قوی‌تر شود.

با این حال، تحلیلگران نسبت به مسیر بلندمدت ین هشدار می‌دهند. در حالی که تقویت کوتاه‌مدت ین ناشی از واکنش‌های روانی و کاهش عدم اطمینان بود، انتظارات سیاست مالی دولت جدید می‌تواند در بلندمدت فشار نزولی بر ین ایجاد کند. افزایش هزینه‌های مالی و کسری بودجه می‌تواند باعث کاهش ارزش ین شود، مگر اینکه بانک مرکزی ژاپن سیاست‌های خود را تعدیل کند. بنابراین، نرخ بهره و سیاست‌های بانک مرکزی ژاپن نقش حیاتی در تعیین مسیر بلندمدت ارز دارند. همچنین، تحولات جهانی و تغییرات نرخ بهره در آمریکا و اروپا نیز بر تقویت یا تضعیف ین تأثیرگذار خواهند بود.

به طور خلاصه، انتخابات اخیر ژاپن نشان داد که شفافیت سیاسی و کاهش ریسک ناشناخته‌ها می‌تواند تأثیر مستقیم بر بازارهای مالی داشته باشد. بازار سهام و بازده اوراق و همچنین بازار ارز به سرعت به این تغییر واکنش نشان دادند. تقویت ین پس از انتخابات نتیجه‌ای از کاهش عدم اطمینان، بسته شدن موقعیت‌های معاملاتی و تغییر روان‌شناسی بازار بود و نه لزوماً تغییر فوری در سیاست مالی یا پولی. با این حال، سیاست‌های مالی دولت جدید و تصمیمات بانک مرکزی، عوامل کلیدی تعیین‌کننده مسیر بلندمدت بازارها و ین باقی خواهند ماند.

پیامدهای احتمالی لغو تعرفه‌های دوران ترامپ توسط دیوان عالی آمریکا

دیوان عالی ایالات متحده در حال بررسی پرونده‌ی تاریخی است که می‌تواند تعرفه‌های اعمال‌شده توسط دولت ترامپ تحت قانون قدرت‌های اقتصادی اضطراری بین‌المللی (IEEPA) را لغو کند. بر اساس پیش‌بینی کارشناسان و تحلیل‌های بازار، احتمال لغو بخش عمده‌ی از این تعرفه‌ها بالاست و برخی تحلیل‌ها آن را بین ۷۰ تا ۸۰ درصد ارزیابی می‌کنند. این تصمیم می‌تواند روی سیاست‌های تجاری آمریکا و بازارهای مالی اثر گذلشته و حتی منجر به پرداخت میلیاردها دلار جبران خسارت به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده شود. در این مقاله، پیامدهای احتمالی این تصمیم و تأثیرات آن بر اقتصاد و بازارها بررسی می‌شود.

پیامدهای احتمالی لغو تعرفه‌های ترامپ

۱. تغییرات در سیاست‌های تجاری

اگر دیوان عالی آمریکا حکم دهد که تعرفه‌های دولت ترامپ به‌طور غیرقانونی اعمال شده‌اند، اولین تأثیر آن بلطل شدن میلیاردها دلار تعرفه بر واردات، به‌ویژه بر محصولات چینی، فولاد و آلومینیوم خواهد بود. این موضوع دولت آمریکا را مجبور می‌کند:

• بازنگری در استراتژی تجاری: دولت باید به دنبال اختیارات قانونی جایگزین برای اعمال تعرفه‌ها باشد یا خطر از دست دادن اهرم خود در مذاکرات تجاری را بپذیرد. دولت ترامپ یا دولت‌های آینده ممکن است به ابزارهای دیگری مانند بخش ۲۳۲ (امنیت ملی) یا بخش ۳۰۱ (عملیات تجاری ناعادلانه) متوسل شوند، اما این ابزارها محدودیت‌های قانونی بیشتری دارند و ممکن است با چالش‌های بیشتری روبرو شوند.

• مذاکرات جدید: بدون تعرفه‌ها، آمریکا ممکن است به دنبال توافق‌نامه‌های تجاری جدید یا امتیازات بیشتری از شرکای تجاری خود باشد که می‌تواند منجر به محیط تجاری همکارانه‌تر اما کمتر حفاظت‌گرایانه شود.

• بازگرداندن نقش کنگره: اگر دیوان عالی تعرفه‌ها را لغو کند، یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاستی آن، بازگرداندن نقش اصلی کنگره در تصویب مواعع تجاری خواهد بود. تاریخاً وضع تعرفه‌ها نیازمند تصویب قانون یا پشتوانه قًانونی مشخص است. حکمی که IEEPA را برای وضع تعرفه‌های گسترده غیرقانونی بداند، اختیار اجرایی رئیس‌جمهور را محدود می‌کند و مانع از اعمال تعرفه‌های یکجانبه در آینده بدون تصویب کنگره می‌شود. این تغییر باعث خواهد شد سیاست تجاری آمریکا به چارچوب‌های منظم‌تر و قانونمندتری منتقل شود و دولت‌های بعدی مجبور شوند با کنگره همکاری کنند تا سیاست‌های تعرفه‌ای یا تنظیم تجارت را بر اساس قوانین شفاف طراحی کنند.

با این‌حال، دولت ترامپ اعلام کرده است که در صورت لغو IEEPA، آماده استفاده از ابزارهای قانونی دیگر برای حفظ تعرفه‌ها است، بنابراین پایان این تعرفه‌ها ممکن است دائمی نباشد.

۲. واکنش احتمالی بازارهای مالی

بورس و سهام

• کاهش هزینه‌ها برای شرکت‌ها: شرکت‌هایی

که تحت تأثیر تعرفه‌های سنگین قرار گرفته‌اند (مانند خردفروشان، تولیدکنندگان و شرکت‌های فناوری)

می‌توانند با حذف تعرفه‌ها، حاشیه سود خود را بهبود بخشند. این موضوع احتمالاً منجر به افزایش قیمت سهام، به‌ویژه برای شرکت‌هایی مانند، Costco Walmart و Samsung می‌شود که قبلاً شکایت‌هایی برای بازپس‌گیری تعرفه‌ها ثبت کرده‌د.

• تعدیل زنجیره تأمین: کسب‌وکارهایی که زنجیره تأمین خود را از چین یا سایر کشورهای تحت تعرفه تغییر داده‌اند، ممکن است دوباره تصمیمات جدیدی در مورد منابع تأمین خود بگیرند. برخی ممکن است به تأمین‌کنندگان قبلی خود برگردند، اما برخی دیگر ممکن است زنجیره تأمین متنوعی را حفظ کنند تا ریسک‌های آینده را کاهش دهند.

ارز و کالا

• دلار و ترز تجاری: کاهش تعرفه‌ها ممکن است منجر به تضعیف نسبی دلار آمریکا شود، زیرا کالاهای وارداتی ارزان‌تر می‌شوند و کسر ترز تجاری ممکن است افزایش یابد. با این‌حال، تأثیر این موضوع احتمالاً محدود خواهد بود، زیرا پویایی تجارت جهانی تحت تأثیر عوامل متعددی فراتر از تعرفه‌ها است.

• قیمت کالاها: قیمت فولاد و آلومینیوم که به دلیل تعرفه‌ها به صورت مصنوعی افزایش یافته بود، ممکن است کاهش یابد و این موضوع به نفع صنایعی مانند ساختوساز و خودروسازی خواهد بود.



بازار اوراق قرضه

• در آمد دولت: تعرفه‌ها منبع درآمد قابل توجهی برای دولت بوده‌اند و در سال ۲۰۲۵ بیش از ۸۲ میلیارد دلار درآمد داشته‌اند. اگر تعرفه‌ها لغو شوند، دولت آمریکا این درآمد را از دست خواهد داد که ممکن است بر پیش‌بینی‌های مالی و احساسات بازار اوراق قرضه تأثیر بگذارد. با این‌حال، تأثیر کلی بر بودجه فدرال در مقایسه با سایر منابع درآمدی محدود خواهد بود.

جبران خسارت و هزینه‌های دولت: دولت آمریکا چقدر باید بپردازد؟

اگر دیوان عالی آمریکا حکم دهد که تعرفه‌ها غیرقانونی بوده‌اند، کسب‌وکارهایی که این تعرفه‌ها را پرداخت کرده‌اند، ممکن است مستحق دریافت جبران خسارت باشند. مبلغ کل این جبران خسارت‌ها بسیار قابل توجه است:

• بر آورد جبران خسارت: تحلیلگران برآورد می‌کنند که اگر تمام تعرفه‌های اعمال‌شده تحت IEEPA باطل شوند، دولت آمریکا ممکن است صدها میلیارد دلار جبران خسارت به واردکنندگان بپردازد. بیش از ۱۰۰۰ شرکت، از جمله خرده‌فروشان و تولیدکنندگان بزرگ، قبلاً شکایت‌هایی برای بازپس‌گیری تعرفه‌ها ثبت کرده‌اند.

• فرایند قانونی: فرایند دریافت جبران خسارت احتمالاً پیچیده و زمان‌بر خواهد بود. شرکت‌ها باید مدارکی ارائه دهند که ثابت کند تعرفه‌ها را پرداخت کرده‌اند و گمرک و حفاظت مرزی آمریکا باید این ادعاها را بررسی کند. دولت ترامپ اعلام کرده است که ممکن است زمان پرداخت جبران خسارت‌ها را به تأخیر بیندازد که این موضوع بر عدم قطعیت موجود می‌افزاید.

مرکز سیاست مالی (Tax Policy Center) برآورد می‌کند که لغو تعرفه‌ها می‌تواند مالیات بر خانوارها را در طی ده سال ۱.۴ تریلیون دلار کاهش دهد و به طور متوسط، هر خانواده در سال ۲۰۲۶ حدود ۱۲۰۰ دلار صرفه‌جویی کند. با این‌حال، این برآورد فرض می‌کند که تعرفه‌ها تحت اختیارات دیگری جایگزین نمی‌شوند، که هنوز مشخص نیست.

پیامدهای بلندمدت

رشد اقتصادی

• منافع مصرف‌کنندگان: کاهش تعرفه‌ها هزینه‌ها را برای کسب‌وکارها کاهش می‌دهد که می‌تواند منجر به کاهش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان شود. این موضوع می‌تواند مصرف و رشد اقتصادی را تحریک کند، به‌ویژه در بخش‌هایی که به شدت تحت تأثیر تعرفه‌ها قرار گرفته‌اند، مانند خرده‌فروشی و تولید.

• سرمایه‌گذاری کسب‌وکارها: اگر سیاست‌های تجاری پیش‌بینی‌پذیرتر و کم‌هزینه‌تر شوند شرکت‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری خود در آمریکا را افزایش دهند. با این‌حال، عدم قطعیت مداوم در مورد تعرفه‌های آینده یا جنگ‌های تجاری ممکن است این تأثیر را کاهش دهد.

اثرات ژئوپلیتیک و دیپلماتیک

• روابط آمریکا و چین: حذف تعرفه‌ها ممکن است تنش‌ها با چین را کاهش دهد، اما رقابت استراتژیک بین دو کشور همچنان ادامه خواهد داشت. آمریکا ممکن است همچنان از ابزارهای دیگری مانند کنترل صادرات یا محدودیت‌های سرمایه‌گذاری برای مقابله با نگرانی‌های مربوط به عملیات تجاری چین استفاده کند.

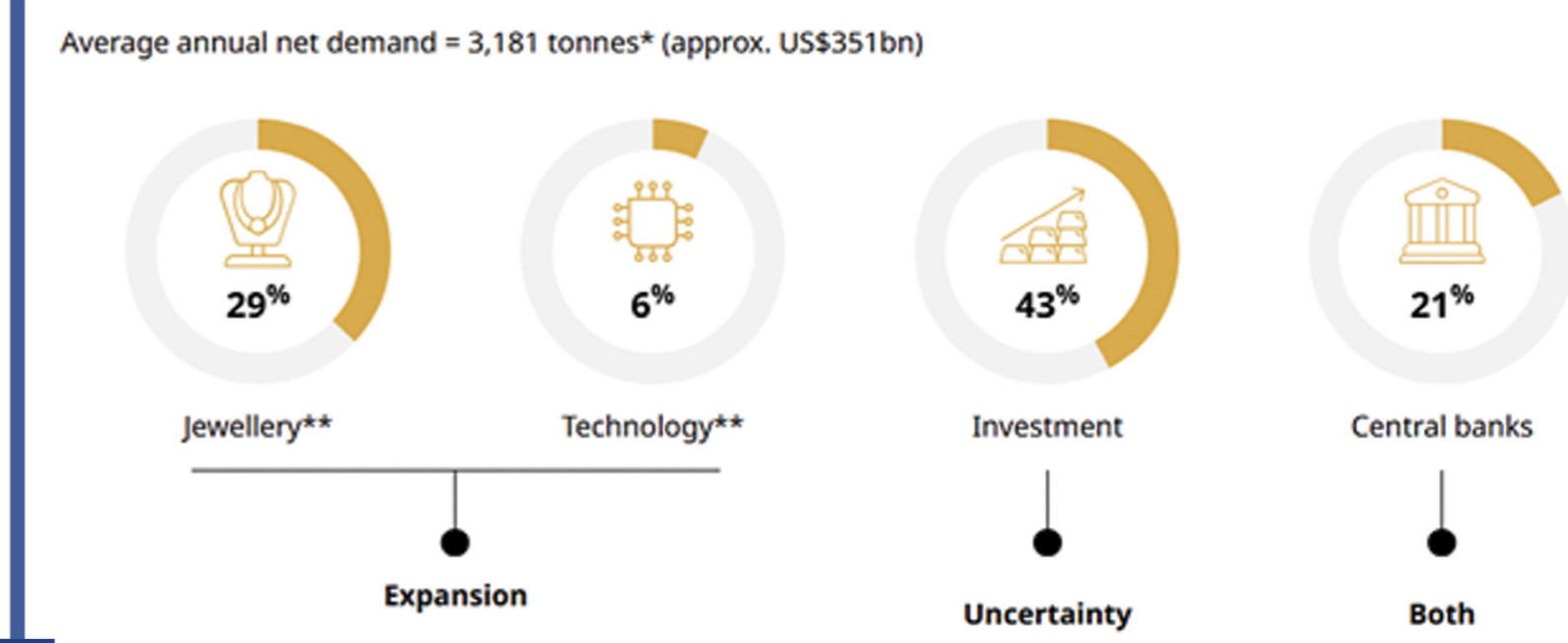
• پویایی تجارت جهانی: این تصمیم می‌تواند نشان‌دهنده تغییر در سیاست تجاری آمریکا باشد و ممکن است سایر کشورها را تشویق کند تا تعرفه‌های آمریکا را به چالش بکشند یا به دنبال توافق‌نامه‌های تجاری جدید باشند. همچنین ممکن است آمریکا بیشتر به پیمانهای چندجانبه مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) برای حل اختلافات تجاری متکی شود.

نتیجه‌گیری

تصمیم دیوان عالی آمریکا در مورد تعرفه‌های ترامپ می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای داشته باشد. اگر تعرفه‌ها لغو شوند، آمریکا با دوره‌ای از تعدیل در سیاست‌های تجاری، بازارهای مالی و برنامه‌ریزی مالی مواجه خواهد شد. کسب‌وکارها ممکن است میلیاردها دلار جبران خسارت دریافت کنند، مصرف‌کنندگان ممکن است شاهد کاهش قیمت‌ها باشند و منظره تجارت جهانی ممکن است تغییر کند. با این‌حال، آمادگی دولت ترامپ برای استفاده از ابزارهای قانونی جایگزین به این معنی است که دوره تعرفه‌های بالا ممکن است به‌طور ناگهانی پایان نیابد. تأثیر نهایی به واکنش دولت و ظهور سیاست‌های تجاری جدید بستگی خواهد داشت.

طلا؛ دارایی با بازده مثبت در تمامی چرخه‌های اقتصادی و مالی

طلا معمولاً به‌عنوان «پناهگاه امن» در دوره‌های بحران و عدم قطعیت شناخته می‌شود، اما این تصویر تنها بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که طلا نه تنها در دوران رکود، بحران‌های مالی و شوک‌های ژئوپلیتیک عملکرد مناسبی داشته، بلکه در دوره‌های رونق اقتصادی و گسترش فعالیت‌های مالی نیز توانسته بازدهی مثبت و قابل اتکایی ایجاد کند. همین ویژگی باعث شده است طلا در میان دارایی‌ها جایگاهی منحصر به فرد پیدا کند: دارایی‌ای که تقریباً در همه چرخه‌های اقتصادی و مالی، توان تولید بازده را حفظ کرده است.



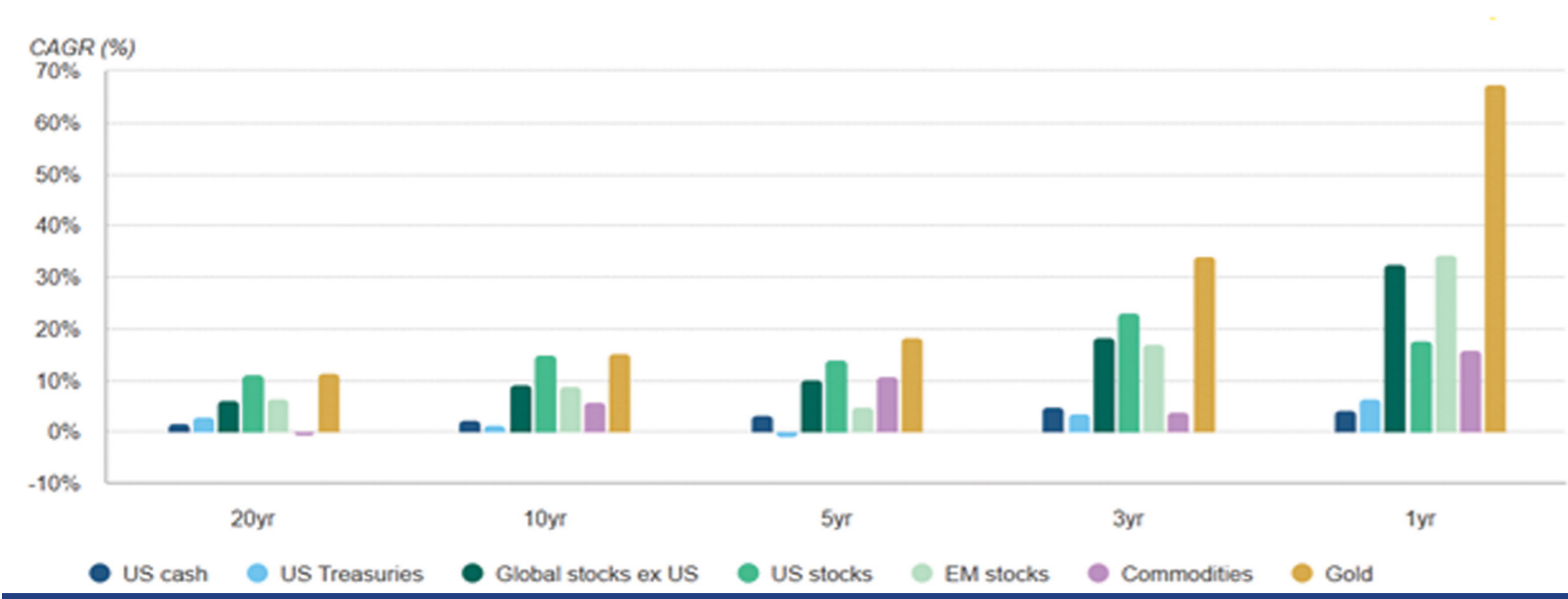
نگاهی به داده‌های بلندمدت این واقعیت را تأیید می‌کند. از زمان فروپاشی نظام استاندارد طلا در سال ۱۹۷۱، قیمت طلا به دلار آمریکا به‌طور متوسط سالانه حدود ۹ درصد رشد داشته است. این سطح از بازده، با بازده تاریخی بازار سهام قابل مقایسه و به‌طور معناداری بالاتر از اوراق قرضه در همان دوره بوده است. اهمیت این نکته در آن است که طلا این بازده را در بازه‌ای بسیار طولانی و شامل دوره‌هایی با تورم بالا، رکودهای عمیق، بحران‌های مالی و همچنین دوره‌های رشد پرشتاب اقتصادی به دست آورده است.

افزون بر این، عملکرد طلا در افق‌های زمانی مختلف نیز قابل توجه است. بررسی بازده‌های ۱، ۳، ۵، ۱۰ و ۲۰ ساله نشان می‌دهد که طلا در بسیاری از این بازه‌ها از بسیاری از طبقات دارایی دیگر پیشی گرفته یا دست کم عملکردی هم‌تراز با آن‌ها داشته است؛ آن هم در شرایطی که در بخش قابل توجهی از این دوره‌ها، دارایی‌های پرریسک مانند سهام از رونق برخوردار بوده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که بازده مثبت طلا صرفاً محصول شرایط بحرانی نیست.

از نظر تحلیلی، می‌توان بازده بلندمدت طلا را حاصل ترکیب دو مؤلفه دانست: مؤلفه اقتصادی و مؤلفه مالی. این چارچوب که در ادبیات مالی با عنوان «بازده مورد انتظار بلندمدت طلا» شناخته می‌شود، نشان می‌دهد که رفتار قیمتی طلا در بلندمدت به رشد اقتصاد جهانی گره خورده است. بر اساس این رویکرد، بازده طلا در بلندمدت تقریباً همگام با رشد تولید ناخالص داخلی جهانی حرکت می‌کند و به‌طور معناداری بالاتر از تورم قرار می‌گیرد.

در نتیجه، طلا نباید صرفاً به‌عنوان یک ابزار پوشش ریسک یا دارایی تدافعی دیده شود. شواهد تاریخی و تحلیلی نشان می‌دهد که طلا یک منبع واقعی بازده بلندمدت است که می‌تواند در تمامی چرخه‌های اقتصادی و مالی، از رکود تا رونق، نقش مثبتی در ایجاد و حفظ ثروت ایفا کند. همین ویژگی است که طلا را به یکی از معدود دارایی‌هایی تبدیل کرده که تقریباً در همه شرایط، توان تولید بازده مثبت را حفظ می‌کند.

Annualised return over the past 1, 3, 5, 10 and 20 years*



یکی از دلایل اصلی این عملکرد پایدار، تنوع ساختاری در منابع تقاضای طلا است. برخلاف بسیاری از دارایی‌ها که بازده آن‌ها به یک متغیر خاص وابسته است، طلا از چهار منبع تقاضای عمده بهره می‌برد: سرمایه‌گذاری، بانک‌های مرکزی، جواهرات و کاربردهای فناورانه. این تنوع باعث می‌شود طلا بتواند خود را با شرایط مختلف اقتصادی تطبیق دهد. در دوره‌های عدم قطعیت و بحران، تقاضای سرمایه‌گذاری - که ماهیتی ضدچرخه‌ای دارد - افزایش می‌یابد و قیمت طلا را بالا می‌برد. در مقابل، در دوره‌های رشد اقتصادی، افزایش درآمدها و مصرف، تقاضای جواهرات و کاربردهای صنعتی و فناورانه را تقویت می‌کند و از قیمت طلا حمایت می‌شود.

از این منظر، طلا هم‌زمان یک دارایی سرمایه‌ای و یک کالای مصرفی است. همین دوگانگی، راز اصلی عملکرد مثبت آن در چرخه‌های مختلف است. در دوران رکود، سرمایه‌گذاران برای حفظ و حتی افزایش ثروت خود به طلا روی می‌آورند؛ در دوران رونق، مصرف‌کنندگان و صنایع، نقش محرک تقاضا را ایفا می‌کنند. نتیجه این سازوکار آن است که طلا برخلاف بسیاری از دارایی‌ها، به یک فاز خاص از چرخه اقتصادی وابسته نمی‌ماند.

تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر بازارها با تمرکز بر طلا



طلا وضعیت شاخص دلار و سیاست‌های فدرال رزرو را نیز دنبال می‌کنند. تنش‌های ژئوپلیتیک نیز از عوامل مهم تأثیرگذار بر بازار طلا هستند. در دوره‌هایی که ریسک‌های سیاسی یا اقتصادی افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاران تمایل بیشتری به دارایی‌های امن پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی، جریان سرمایه به سمت طلا حرکت می‌کند و قیمت آن رشد می‌کند. این رفتار بارها در بحران‌های مالی و تنش‌های بین‌المللی مشاهده شده است.

بازار طلا همچنین به‌عنوان پلی میان بازارهای مختلف عمل می‌کند. حرکت در بازار اوراق قرضه، تغییر در انتظارات تورمی و حتی نوسانات بازار سهام می‌توانند مستقیماً بر قیمت طلا اثر بگذارند. به همین دلیل، بسیاری از معامله‌گران طلا را نه فقط یک دارایی مستقل، بلکه بخشی از یک سیستم مالی به‌هم‌پیوسته می‌دانند. در نهایت، ترکیب تحلیل تکنیکال و فاندامنتال در بازار طلا اهمیت ویژه‌ای دارد. تحلیل تکنیکال می‌تواند نقاط ورود و خروج دقیق را مشخص کند، در حالی که تحلیل کلان اقتصادی جهت کلی بازار را نشان می‌دهد. معامله‌گرانی که بتوانند تأثیر نرخ بهره، تورم، سیاست‌های پولی و ریسک‌های جهانی را بر طلا درک کنند، معمولاً دید عمیق‌تر و تصمیم‌گیری دقیق‌تری در بازار خواهند داشت.

طلا در واقع تنها یک فلز گرانبها نیست؛ بلکه بازتابی از ترس، تورم، سیاست‌های پولی و انتظارات آینده اقتصاد جهانی است. به همین دلیل، بررسی آن برای هر تحلیلگر و معامله‌گر حرفه‌ای ضروری به نظر می‌رسد.

بازارهای مالی به‌شدت تحت تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی، تصمیمات بانک‌های مرکزی و شرایط ژئوپلیتیک قرار دارند. در این میان، طلا یکی از دارایی‌هایی است که بیشترین واکنش را به این متغیرهای کلان نشان می‌دهد و اغلب به‌عنوان دماسنجی برای سنجش نااطمینانی اقتصادی شناخته می‌شود. نرخ بهره یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر قیمت طلا است. به‌طور کلی، زمانی که نرخ بهره افزایش می‌یابد، جذابیت نگهداری طلا کاهش پیدا می‌کند، زیرا طلا سود دوره‌ای ایجاد نمی‌کند. در مقابل، زمانی که بانک‌های مرکزی سیاست‌های انبساطی در پیش می‌گیرند و نرخ بهره کاهش می‌یابد، طلا معمولاً تقویت می‌شود، زیرا هزینه فرصت نگهداری آن کمتر می‌شود. تورم نیز نقش کلیدی در تعیین روند طلا دارد. در دوره‌های تورمی، سرمایه‌گذاران اغلب به سمت طلا حرکت می‌کنند تا ارزش دارایی خود را حفظ کنند. به همین دلیل، طلا در بسیاری از مواقع به‌عنوان یک ابزار پوشش تورم شناخته می‌شود. افزایش انتظارات تورمی معمولاً باعث افزایش تقاضا برای طلا می‌شود و این موضوع می‌تواند روند صعودی در قیمت آن ایجاد کند. از سوی دیگر، ارزش دلار رابطه نزدیکی با قیمت طلا دارد. از آنجا که طلا به‌صورت جهانی با دلار قیمت‌گذاری می‌شود، تقویت دلار معمولاً باعث فشار نزولی بر قیمت طلا می‌شود و بالعکس. به همین دلیل، معامله‌گران حرفه‌ای هم‌زمان با تحلیل نمودار

نقش داده‌های آمار در تصمیم‌گیری معامله‌گران مدرن (مورد طلا)

در سال‌های اخیر، بازارهای مالی به‌طور فزاینده‌ای به سمت تصمیم‌گیری مبتنی بر داده حرکت کرده‌اند. معامله‌گران حرفه‌ای دیگر تنها به احساس یا تجربه شخصی تکیه نمی‌کنند، بلکه با استفاده از آمار، احتمال و تحلیل داده‌ها سعی می‌کنند مزیت رقابتی پایداری ایجاد کنند. در این میان، طلا به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین دارایی‌های مالی جهان، جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های آمار و استراتژیک پیدا کرده است. مفهوم «احتمال» یکی از پایه‌های اصلی موفقیت در ترید است. هیچ استراتژی‌ای در بازار وجود ندارد که همیشه سودده باشد، اما اگر یک سیستم معاملات در بلندمدت بر اساس داده‌های آمار احتمال موفقیت بیشتری نسبت به شکست داشته باشد، می‌تواند به سودآوری پایدار برسد. این نگاه به معامله‌گر کمک می‌کند تا به‌جای تمرکز روی یک معامله، عملکرد خود را در یک سری از معاملات ارزیابی کند.

در این میان، طلا اغلب به‌عنوان یک دارایی با رفتار آماری متفاوت نسبت به سهام و شاخص‌ها شناخته می‌شود. در بسیاری از دوره‌های بحران اقتصادی یا افزایش نااطمینانی، همبستگی طلا با بازار سهام کاهش یافته و حتی گاهی معکوس می‌شود. همین ویژگی باعث شده که طلا به ابزاری مهم برای تنوع‌بخشی به پرتفوی و کاهش ریسک تبدیل شود. یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در معاملات حرفه‌ای، «امید ریاضی» است. معامله‌گران موفق می‌دانند که حتی اگر درصد معاملات موفق پایین باشد، در صورتی که سود معاملات برنده بیشتر از ضرر معاملات بازنده باشد، سیستم در بلندمدت سودده باقی می‌ماند. طلا در این زمینه نیز اهمیت دارد، زیرا معمولاً در دوره‌های پرریسک، حرکات روندی قوی‌تری ایجاد می‌کند و می‌تواند نسبت سود به ضرر جذابی فراهم کند.

تحلیل داده‌های تاریخی نیز نقش مهمی در شناخت رفتار طلا دارد. بررسی واکنش قیمت طلا به عواملی مانند تورم، نرخ بهره و بحران‌های مالی نشان می‌دهد که این فلز گرانبها اغلب به‌عنوان «پناهگاه امن» عمل می‌کند. معامله‌گرانی که این الگوهای تکرارشونده را درک می‌کنند، می‌توانند از طلا به‌عنوان



تحلیلگر: امیرحسین آقاپور

انس جهانی طلا در هفته های اخیر با رشدی قدرتمند و پارابولیک تمامی مقاومت های سر راه خود را شکست. در ادامه اما با برخورد به محدوده ۵۶۰۲ شاهد واکنش قوی در انس بودیم.

در حال حاضر میتوانیم این کنش قیمتی را ورود به اصلاح موج ۴ خود در نظر بگیریم، که هم از منظر زمان و هم قیمت میتواند ادامه دار باشد.

در صورت تکمیل موج وسط در قالب موج b ریزش قیمتی میتواند در گام اول محدوده ۴۴۰۰ را در گام نخست و ۴۲۵۰ در گام بعدی ببیند.

روند اخیر طلا نشان داده میل به اصلاحات عمیق و بلند مدت ندارد باید دید اینبار به چه نحوی روند قیمتی را شاهد خواهیم بود.

نقره نیز همانند طلا در هفته های اخیر با روندی دیوانه وار توانست سقف های تاریخی جدیدی برای خود ایجاد کند. اینبار شاهد سقف ۱۲۱ دلاری برای نقره جهانی هستیم.

با واکنشی که در محدوده ۱۲۱ دلار شاهد بودیم و ریزش قیمتی که در ادامه توانست قیمت را تا حوالی ۶۴ دلار پایین بکشد

میتوانیم پایان موج ۵ از ۳ بزرگ و ورود به موج ۴ اصلاحی را اعلام کنیم.

در حال حاضر دو سناریو برای نقره خواهیم داشت

سناریو اول که مورد تایید قواعد زمانی هست پیچیده شدن اصلاح در ادامه و تشکیل یک کامپلکس پترن خواهد بود.

سناریو دوم اما اتمام این اصلاح با یک الگوی شارپ قیمتی در قالب زیگزاگ و رشد برای پس گرفتن سقف تاریخی خواهد بود.

در کیبل ما یک فرم سه موجی را در قالب گام اول اصلاح خود به پایان رساندیم.

زمان به ما تاییدیه اتمام اصلاح درجات بالاتر را نمیدهد، از همین رو همچنان میتوان انتظار داشت پیچیدگی های بیشتری از پوند ببینیم.

در هر صورت فعلا پس از اصلاحی کوتاه صعود قیمتی را تا حوالی ۱.۳۸۶ و پس از آن تا ۱.۴۰۵ دنبال میکنیم.

در یورو به دلار کانادا به خوبی ورود به اصلاح قیمتی موج ۴ را تشخیص دادیم.

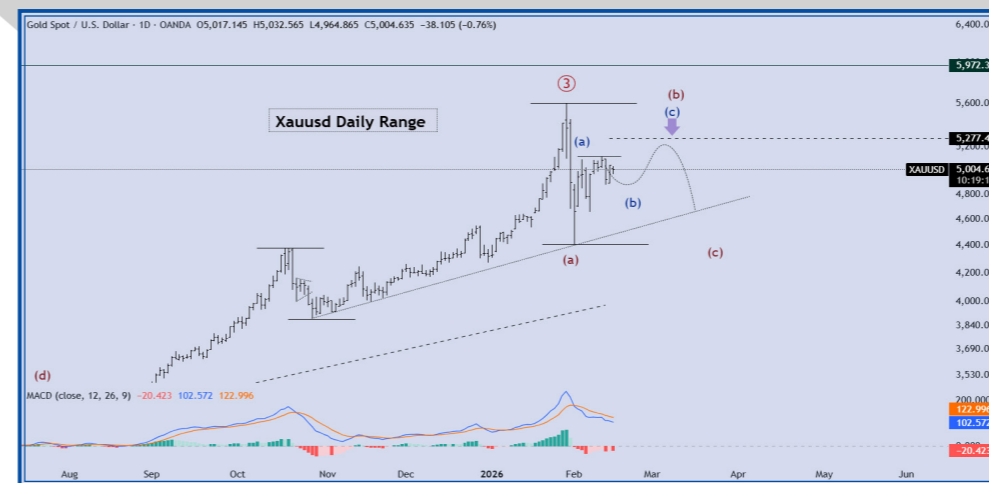
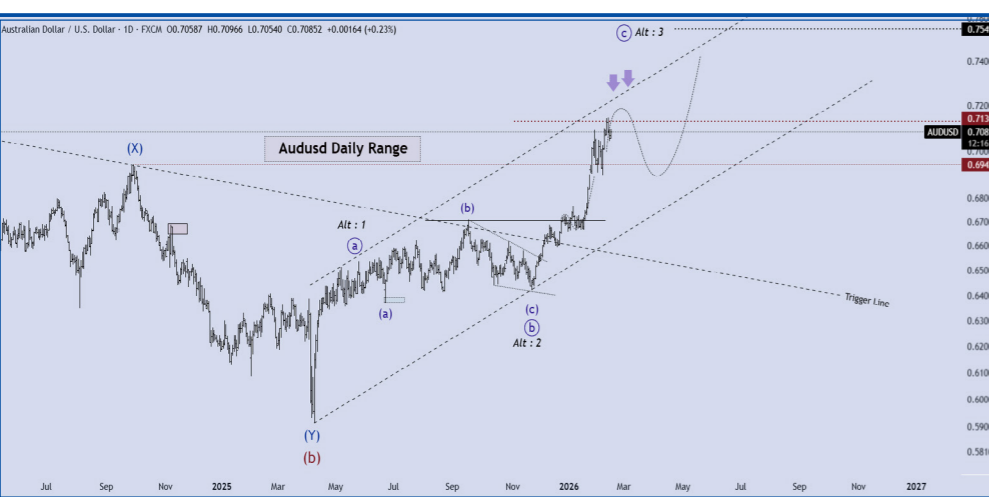
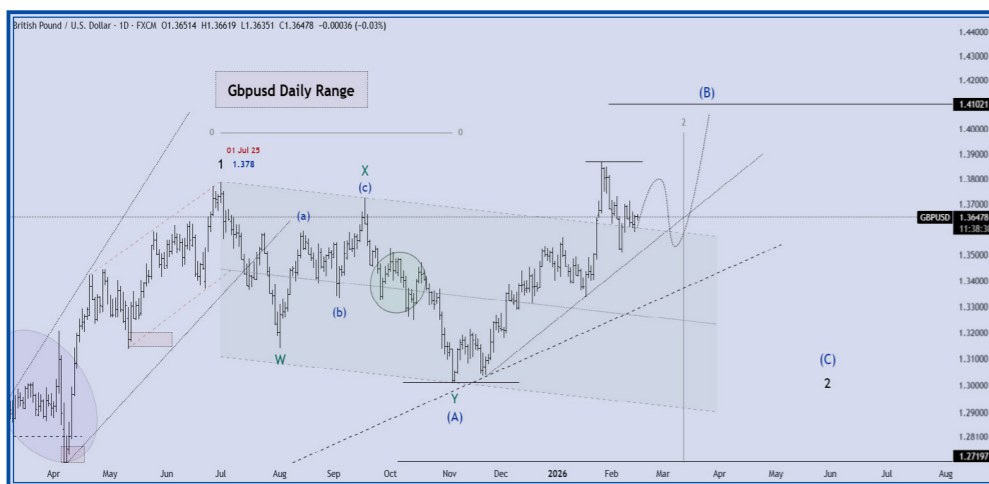
با توجه به روند قیمت ظاهرا میل به اصلاح عمیق قیمت وجود ندارد اما روند قیمتی کماکان اصلاحی خواهد بود

این اصلاح میتواند در گام نخست تا ۱.۵۷۸ و در گام بعدی تا حوالی ۱.۶۰۲ نیز ادامه داشته باشد.

در اوزی شاهد یک فرم سه موجی کانالیزه هستیم که در محدوده سقف کانال در حال معامله است تا زمانی که واکنش برگشتی قیمت را شاهد نباشیم کانال ما تایید نخواهد شد

اما در هر صورت میتوانیم روند تقویت این ارز و صعود اوزی را پس از اصلاحی کوتاه مدت ادامه دار بدانیم.

این رشد میتواند تا حوالی ۰.۷۵۴ ادامه پیدا کند.



تحلیلگر: محمدجواد آقازاده



XAUUSD هفتگی

در تایم فریم هفتگی طلا تغییر رویکرد

تحلیل مهمی اتفاق افتاده است، درحال حاضر معتقدیم در موج ۳ از ۵ موجی اونس جهانی قرار داریم و هنوز موج ۴ شکل نگرفته است، یکی از علت‌های بسیار مهم این تغییر بینش، شکسته شدن آپریمیت چنگال می‌باشد، باتوجه به این اتفاق مشخصاً با یک موج پارابولیک روبرو هستیم که چنین حالتی در موج ۳ متداول تر است، از منظر قیمتی پیشنهاد ما پیروی از روند می‌باشد، اما از دید زمانی حوالی ۲۶ جون از محدود امن خارج خواهیم شد.

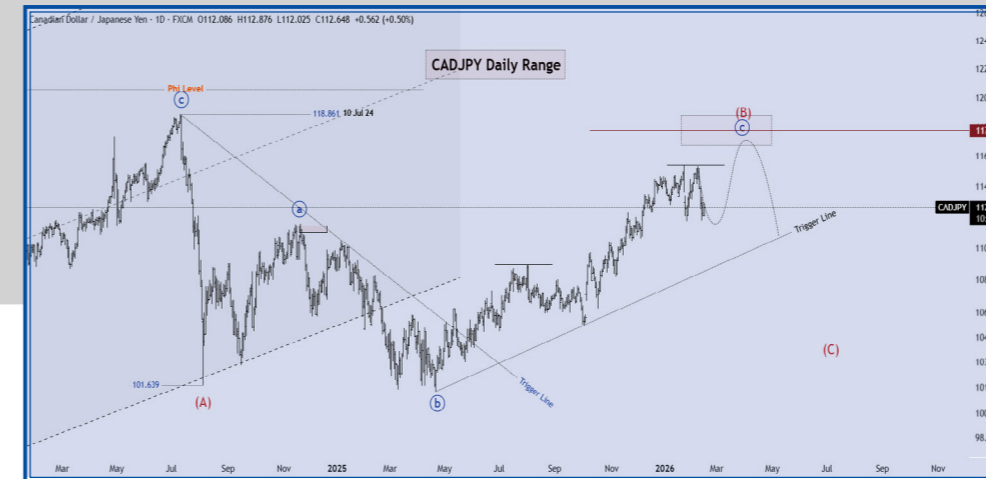
XAUUSD روزانه

موج ۵ اصلی (سبز رنگ):

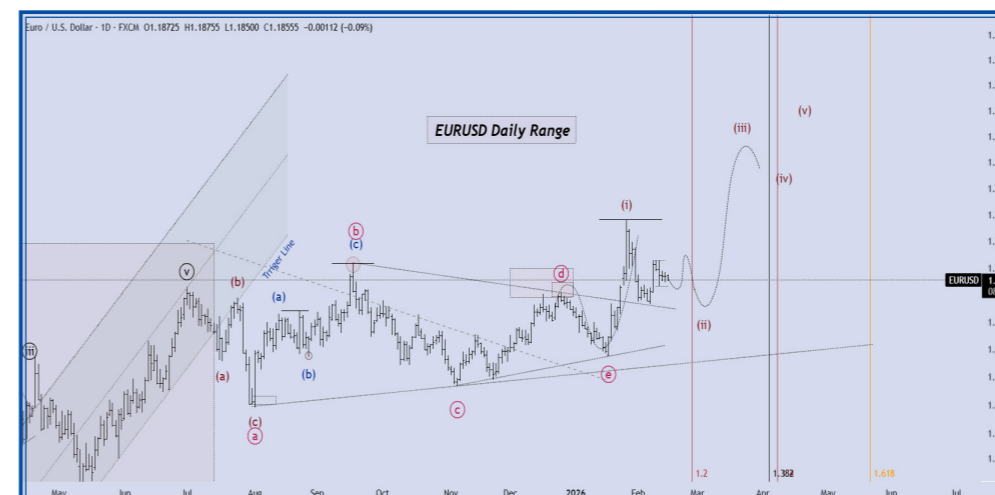
بازار در چارچوب یک روند صعودی اصلی قرار دارد که از آن به عنوان موج ۵ سبز یاد می‌شود. این نشان می‌دهد که روند کلی صعودی است و هنوز تکمیل نشده است.

با پایان موج ۵ آبی، بازار برای شروع اصلاح تمام ۵ موجی آبی رنگ آماده بود. در طی این انتظار ریزش شدید اونس از حوالی سقف ۵۶۰۰ دلار آغاز و بیش از ۱۰۰۰ دلار کاهش قیمت در ۱ هفته اتفاق افتاد، درحال حاضر احتمال می‌دهیم یک

کف دیگر زیر کف شکل گرفته فعلی تشکیل شود، البته معامله‌گران از هیچ فرصت خرید بهینه‌ای در کوتاه مدت چشم پوشی نخواهند کرد.



حوالی ۱۱۷.۵ محدوده ای موثر برای تکمیل موج B ما خواهد بود ، منتظر واکنش قیمتی میمانیم.



در یورو به دلار آمریکا به خوبی محدوده پیوت موج D را تشخیص دادیم و به خوبی هدف صعودی ما تارگت شد

در حال حاضر مادامی که قیمت بالای ۱.۱۵۷ قرار گرفته میتواند به مسیر صعودی خود ادامه دهد

از اهداف این صعود در گام نخست شکست سقف پیشین و در گام بعدی ۱.۲۱۹ خواهد بود.



در پوند به ین ژاپن وارد اصلاح مد نظر شده ایم ، این اصلاح به ما تریگر تغییر روند را نمیدهد.

بنظر میرسد در ادامه شاهد سقف مینور جدیدی در این شاخه نهایی باشیم

این رشد تا محدوده ۲۱۷ واحدی میتواند ادامه داشته باشد.

این صعود در گام نهایی از شاخه موج B فرضی ما خواهد بود که در صورت

تایید در ادامه مسیر نزولی بزرگتر را هدف راه خود قرار خواهد داد.

واکنش قیمت را بررسی میکنیم.

XAGUSD هفتگی

(شتابدار صعودی):

فاز پارابولیک نقره در حوالی ۱۱۰ دلار با ریزش شدیدی پایان یافت، این ریزش شوک عمیقی به سرمایه‌گذاران این نماد وارد و باعث لیکویدیشن‌های بزرگی در پوزیشن‌های تریدرها شد؛ تحلیل ما از نقره مبنی بر شکل گرفتن کف اصلی در ۶۳.۸۵ دلار می‌باشد، به‌گونه‌ای که هر اصلاحی را مربوط به ظرف زمان خواهیم خواند.



XAGUSD روزانه

ساختار اصلی:

نقره در تایم فریم روزانه پس از تشکیل سقف اصلی خود در حوالی قیمتی ۱۱۰ دلار، ریزش خود تا ۶۵ دلار را آغاز کرد، در



تحلیل هفتگی ذکر شد احتمال بسیار زیادی کف اصلی این فلز تشکیل شده است، و موج C از این اصلاح قیمت‌های پایین‌تر از موج A را نخواهند دید، با این وجود دیدگاه فوق به عنوان رویکرد محافظه‌کارانه برای سرمایه‌گذاران نقره در نظر گرفته شده است، طی این دیدگاه موج A به پایان رسیده است و در یک ساختار کانالیزه موج‌های B و C را در پیش خواهیم داشت.

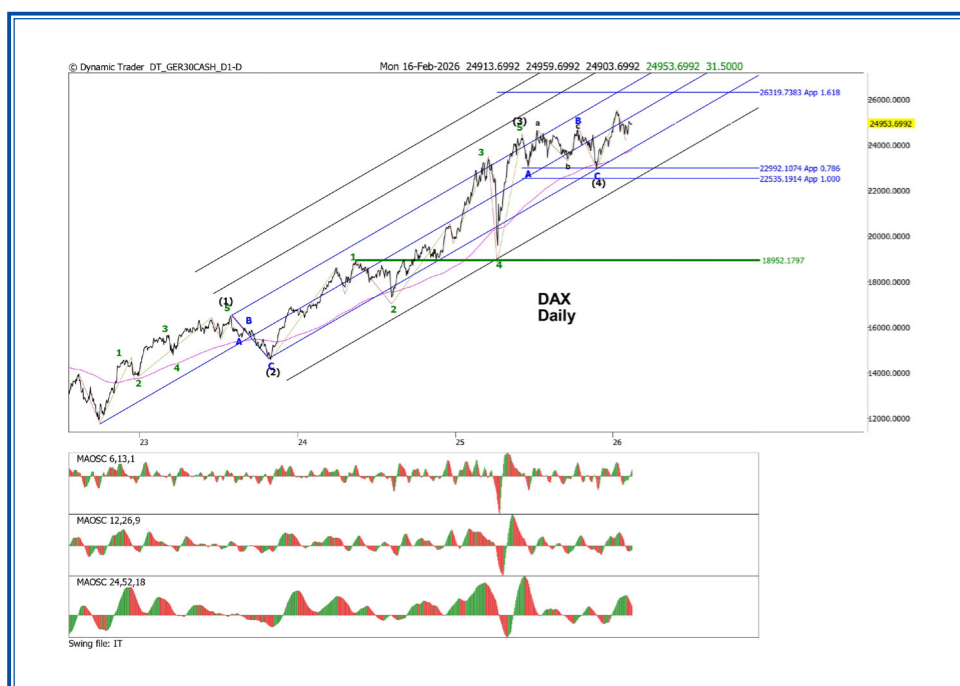
DOW روزانه

در داوجونز اعتقاد داریم موج ۵ کشیده ما تا ۵۲۹۳۹ ادامه خواهد داشت، از اینرو خریداران پیشین داو جونز سعی بر حفظ پوزیشن‌های خرید خود خواهند کرد، از سمتی باتوجه به متراکم شدن موج ۵ فعلی، اگر قصد خرید این شاخص را دارید، پیشنهاد می‌شود از استاپ دلاری استفاده نمایید.



DAX روزانه

همانطور که ذکر شد ریزش عمیق پیشین موج ۴ بوده است، معامله‌گرانی که به پیشنهاد ما در حوالی قیمتی ۲۲۹۹۲ وارد پوزیشن‌های خرید شده‌اند، می‌توانند با برخورد قیمت به هر یک از اپر لیمیت‌های چنگال حجم پوزیشن خود را کاهش دهند.



BTC هفتگی

همانطور که ذکر شد، ۵ موجی سبز رنگ به اتمام رسیده است و لور لیمیت در چنگال نیز شکسته شد، با تریگرهای ذکر شده در حال حاضر در فاز نزولی بیتکوین می‌باشیم، در تحلیل پیشین دو سناریو مطرح شد که سناریو دوم با عنوان: ۲- موج A از ۳ موجی اصلاحی در ۵۷۵۲۹ تا ۶۹۹۰۷ به پایان برسد. اتفاق افتاد، شایان ذکر است با صعود قیمت تا ۸۵ هزار دلار هیچ خدشه‌ای بر تحلیل نزولی و ادامه روند نزولی وارد نمی‌شود؛ معتقد هستیم کف اصلی این رمزارز همچنان ساخته نشده است.



WTI روزانه

در ماهنامه پیشین دوسناریو متفاوت برای نفت مطرح شد، در حال حاضر به نظر می‌رسد سناریو دوم ما با عنوان: ۲- شروع موج ۱ صعودی «نشانه این گام شکسته شدن پر قدرت سقف کانال می‌باشد». در حال شکل‌گیری است، باتوجه به این مهم و اعتقاد ما بر موج ۴ بودن اصلاحی حال حاضر نفت با تارگت ۶۸ دلاری خریدنی می‌باشد، پیشنهاد می‌شود معامله‌گران استاپ دلاری خود را بدون توجه به قیمت و صرفاً باتوجه به میزان سود آتی با رسیدن قیمت به ۶۸ دلار تنظیم نمایند.



WHEAT روزانه

الگوهای پیچیده در بازار گندم همچنان ادامه دارند. با توجه به ساختار این الگوها به صورت ABC-X-ABC، اطلاعات دقیقی درباره زمان پایان فرم اصلاحی در دسترس نیست. در ماهنامه پیشین ذکر شد کف کانال و لیبیل B آبی رنگ محدوده امن برای خرده خریداران خواهد بود، به منظور حفظ معاملات واکنش گندم به سقف کانال کوتاه مدت حائز اهمیت است.



COCOA هفتگی

در نشر پیشین تحلیل ما مبنی بر پایان موج ۴ اصلاحی در کاکائو بود، همینطور به منظور حفظ سرمایه هج استاپ پایین کف شکل گرفته در ماه مذکور پیشنهاد شد، در حال حاضر قیمت باشتاب بسیار زیادی به محدوده قرمز رنگ که نوید ۱۲۳ بودن ساختار ریزش رو می‌دهد، نزدیک شده و در صورت شکست این محدوده اعتقاد ما بر موج ۴ بودن ریزش معدوم می‌گردد.

PM هفتگی

در نشر ششم ماهنامه CYCFX به فرصت خرید بهنیه سهام فیلیپ مورس اشاره شد، در تحلیل مذکور بیان شد اصلاح اخیر موج ۴ اصلاحی بوده و پس از ان ساختار صعودی آغاز می‌شود، در حال حاضر ۲۰۴ دلار تارگت خریدهای پیشین ما خواهد بود و پس از آن سرمایه‌گذاران می‌توانند به صورت پله‌ای از این نماد خارج شوند.





CYCFX.COM

ارتباط با ما



CYCLICALWAVES



CWEDU

